



شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۳ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۹۰۸
www.shahmihanonline.ir

گزارش
بین الملل
۸-۹

آینده روابط پاکستان و طالبان

چه عواملی روابط اسلام آباد
و کابل را به اینجا رساند؟

سرمقاله

طالبان هم بله!

اگر یادتان باشد طالبان اولیه پیش از حمله سال ۲۰۰۱ ایالات متحده، گرچه خود را امارت اسلامی افغانستان می نامیدند و بظاهر به مرزهای دیگران نظری نداشتند؛ شاید هم چون زورشان نمی رسید؛ ولی از سوی دیگر هیچ اصراری هم به شناسایی متقابل خود و کشورهای دیگر نداشتند، و هربر خود را هم امیرالمومنین می نامیدند، و از آنجا که ایدئولوژی همچون زیباروی تاب مستوری ندارد؛ با پذیرفتن و میزبانی از بن لادن و جماعت القاعده در افغانستان، رویکرد ادیکال و فرامشی خود را به رخ کشاندند، و نتیجه را هم چشیدند. طالبان کنونی برخلاف قبلی ها رویکرد دیگری دارند و به شناسایی بین المللی و روابط دیپلماتیک اهمیت می دهند و حتی نگاه خود را از محوریت اسلامی به ملی تغییر داده اند. این تحول به ویژه در جنگ کنونی آنان با پاکستان نمود جدی یافته است. (گزارشی از این جنگ و روابط دو کشور را در هم میهن امروز می خوانید) در چنین شرایطی سفر وزیر خارجه طالبان به هندوستان معنای دیگری دارد. کشوری که مسلمانان آنجا در اقلیت و از منظر طالبان تحت سلطه کفار محسوب می شوند ولی منافع حکومت جدید اقتضا کرده که نهنها پس از جنگ اخیر به هند بروند بلکه با صدور بیانیه مشترک پذیرفته اند که: دو کشور به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها، تعاون برای امنیت منطقه ای، احترام گذاشته شود و افغانستان متعهد شده است که خاکش توسط هیچ گروه یا فردی برای حمله به هند استفاده نشود. همچنین هند از افغانستان خواسته فعالیت های تروریستی غیرقانونی علیه هند از خاک افغانستان انجام نشود. موضع مشترک طرفین نسبت به این که کشمیر بخشی از هند است، موجب واکنش تند پاکستان شده است. بعلاوه هنگامی که پاکستان در سال ۱۹۴۷ به کشمیر حمله کرد، عملاً این دولت پاکستان نبود که اقدامات اصلی جنگ را انجام داد، بلکه گروه های قبایلی از مناطق پشتون نشین بودند که به کشمیر حمله کردند. بنابراین، چه در گذشته و چه حالا ارتباطات عمیقی میان وضعیت کشمیر و تحولات افغانستان وجود داشته است، چراکه بسیاری از اعضای گروه های مسلحی که در کشمیر فعالیت می کنند، یا اهل افغانستان هستند یا در افغانستان آموزش دیده اند. در نتیجه، گروه های جهادی کشمیری در مبارزات خود برای آزادی کشمیر به پشتیبانی گروه های جهادی یا نهضتی مستقر در افغانستان امید دارند، ولی اکنون امارت اسلامی طالبان برای بقای خود سرنوشت آنان را به هندوهاروخت. اکنون مشاهده می شود که طالبان هم در برابر واقعیت موجود نظام بین المللی و ساختار دولت-ملت ها تسلیم شده و حتی حاضر است برای تقابل با پاکستان مسلمان و هم کیش، طرف هند را بگیرد که از نظر شرع طالبان کافر هستند و جالب این که نهنها برخلاف اختلافات جدی موجود در باره ماهیت حقوقی کشمیر آن را جزئی از خاک هند دانسته بلکه مهم تر این که حق و وظیفه خود در کمک به مسلمانان کشمیر برای آزادی از دست حکومت غیرمسلمان را از خود سلب کرده است و باید مانع مبارزه آنان هم بشود. ۱۷



رولت روسی

درباره پاسخ محمدجواد ظریف
به اظهارات وزیر خارجه روسیه درباره استپیک



رها شده در بیمارستان

درباره گرانی درمان، کمبود پرستار و افزایش تعداد سالمندان
که موجب شده بیماران در مسیر درمان تنها بمانند



خطر خاموشی تمدن

یادداشتی از روح الله فردوسی
درباره هشدار جمعیتی اخیر وزیر کشور



زن، سازوسکوت

موسیقی زنان در گفت وگو با هنگامه اخوان، ملیحه سعیدی و بهر ز شوروژی

نگاه هم میهن

تبارکشی

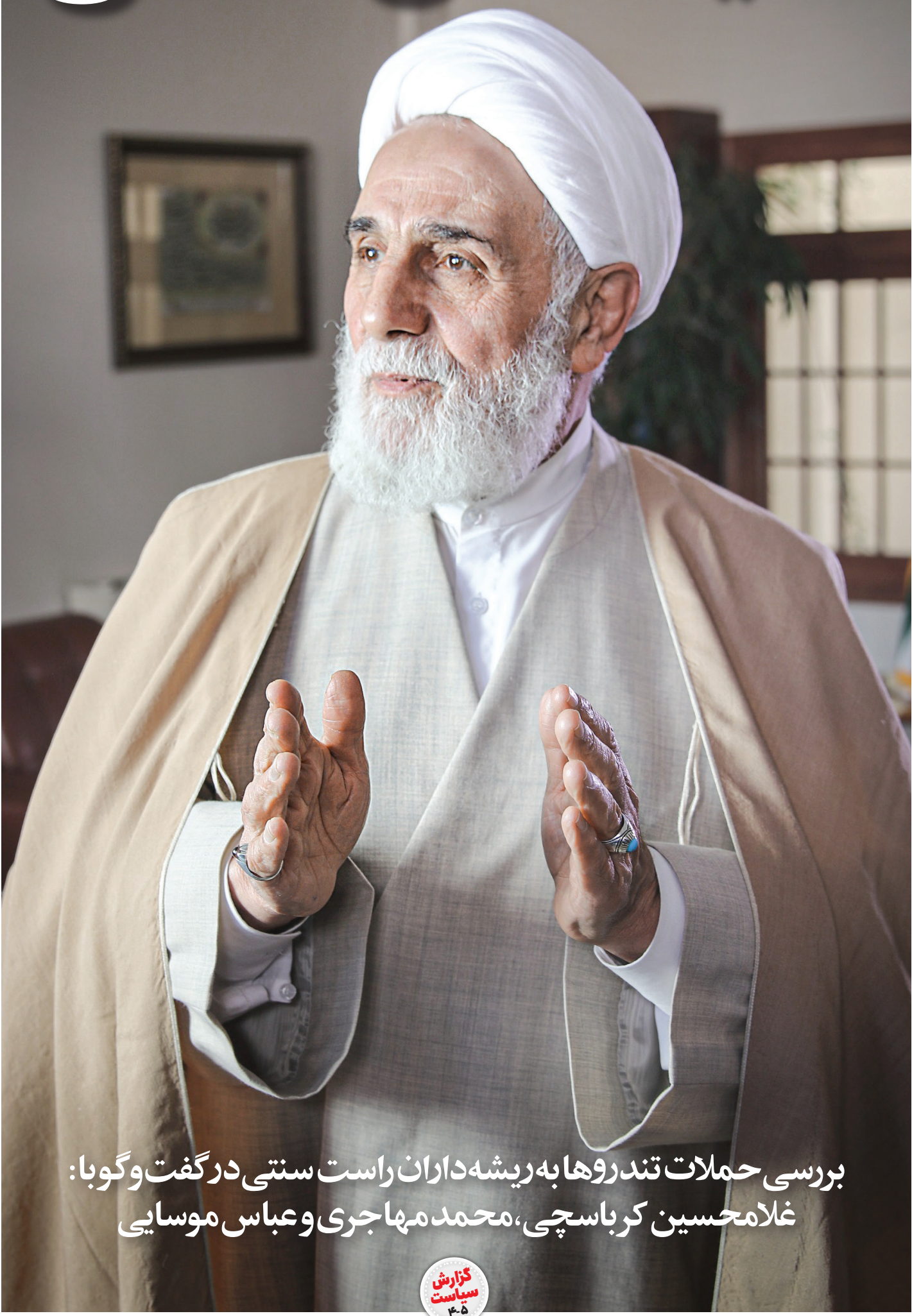
به بهانه حملات
اخیر رادیکال ها به
اصول گرایان کهنه کار



مهررداد خدیو
معاون سردبیر

روز چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ - پنج روز بعد از برگزاری انتخابات سرد مجلس در ۱۱ اسفند- همزمانی آن با تشییع و تدفین آیت الله محمد امامی کاشانی را به منزله به صدا در آمدن ناقوس پایان جریان راست سنتی دانستم چرا که در آن انتخابات، اصول گرایان جوان با بی اعتنایی به فهرست های پیشنهادی راست سنتی، پدرن خود را کنار زده بودند تا خود سکان را در دست گیرند. آن نوشته به بهانه توثیق امر حسین ثابتی بود که بر راست سنتی شوریده و شامگاه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ فاتحه و شادمانه در شبکه ایکس نوشته بود: «امروز در مسجد لرزاده وقتی داشتیم اسامی نامزدها را می نوشتم آقای حداد عادل ناگهان از کنارم عبور کرد. یک دفعه چند نفر با گلایه گفتند: این دوره دیگر باجوش ها را می آورند. ایشان توقف کرد و گفت: این حرف ها جو سازی است، منظور من چیز دیگری بود. من اما برخاستم و گفتم سلام آقای دکتر! من باجوش اصلی هستم!» در آن روزها سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری بود و عصر، عصر خالص سازان و اصول گرایان جوان خود را برای فتح مجلس و حتی کنار زدن محمدباقر قالیباف هم آماده می کردند چه رسد به اصول گرایان میانه رو. فضای سیاسی کشور اما بعد از سانحه بال گرد مرحوم رئیسی در پایان اردیبهشت ۱۴۰۳ و در آستانه افتتاح مجلس دوازدهم و نیز مجلس خبرگان رهبری به جد تغییر کرد و در پی آن مسعود پزشکیان نماینده ابتدا رد صلاحیت شده تبریز در همان مجلس تأیید شد و به ریاست جمهوری رسید. این تغییرات البته به معنی احیای راست سنتی نبود چون باز در همان انتخابات، مجال شرکت به علی لاریجانی رئیس سه دوره مجلس شورای اسلامی داده نشد. انتخاب مسعود پزشکیان اما دور را تا حدی از رادیکال ها گرفت و نیروهای راست سنتی نزدیک به اعتدال گرایان به اصلاح طلبان میانه نزدیک شدند و یکی از سرامدان آنان علی اکبر ناطق نوری رئیس مجالس چهارم و پنجم و کاندیدای ناکام انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ بود. این نوشتار از این روبه او می پردازد که نطق اخیر آقای ناطق به مذاق همان رادیکال ها خوش ننشست و اگر چه الفاظی را که نثار هم فکر او - محمد رضا باهنر - کردند متوجه او نداشتند اما تعبیر «اشتباه بزرگ» از زبان او و درباره اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ را نپسندیدند تا جایی که آقای حسین شریعتمداری در کیهان ابتدا جملات او را نقل کرد که گفته بود: «از نظر من، تصرف سفارت آمریکا به عنوان «لانه جاسوسی» اشتباه بزرگی بود، به نظر می رسد بسیاری از گرفتاری ها از همان نقطه آغاز شد. وقتی بخوایم راهکار پیشنهاد کنیم باید بدنبال مشکل چیست. مگر در سایر سفارتخانه ها در دنیا قسمتی برای امور اطلاعاتی و جاسوسی وجود ندارد؟ آنجا را اشغال کردند و آمریکا هم در یک عمل متقابل سفارتخانه ما را گرفت و پول های ما را بلوکه کرد. از آن زمان، مجموعه ای از مشکلات واکنش ها ادامه پیدا کرد که به نظر من ناشی از همان تصمیمات اولیه بود.» سپس در مقام نقد نوشت: «در شرایط خاص این روزها و بعد از جنگ ۱۲ روزه و حمله نظامی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران اسلامی اظهارات اخیر ایشان، معنا و مفهوم بسیار ناپسندتری از همیشه دارد و با عرض پوزش فقط به منظور یک هشدار جدی، بخشی از بیانات حضرت آقا برای عبرت ایشان بازگو می کنیم. ۱۸

علیه نطق ناطق



بررسی حملات تند روها به ریشه داران راست سنتی در گفت وگو با:
غلامحسین کرباسچی، محمد مهاجری و عباس موسایی

گزارش
سیاست
۴-۵

عکس: Gettyimages